

معرفی یک خانواده مسجدی - خانواده امام علی(ع) - با تمرکز بر نقش والدین و کودکان

رضا اخوی (دانش آموخته سطوح عالی حوزه)

برای به باور نشستن یک حقیقت، پرده برداری از نمونه عینی و مصداق عملی آن بهترین راهکار است. در نوشته حاضر یک خانواده اهل مسجد را با بیان یک مصداق روشن پی می‌گیریم؛ مصداقی که مورد تأیید خدا و حضرت رسول(ص) بودند و برای همیشه تاریخ زنده و پویا خواهند ماند.

مراوده دائمی با مسجد

از مشخصه‌های روشن یک خانواده اهل مسجد، رفت و آمد و حضو پررنگ در مسجد است. همان‌گونه که خانواده امیرالمؤمنین(علیه السلام) این‌گونه بودند و مراوده‌ای دائمی با مسجد داشتند، تا آنجا که پس از ازدواج حضرت علی(علیه السلام) با حضرت زهرا(سلام الله علیها)، وقتی رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به بستن درهایی که به مسجد باز می‌شد امر فرمود، به طور ویژه در خانه علی را به حال خود واگذاشت. در خانه حضرت همیشه به مسجد باز می‌شد و راهی به بیرون جز از طریق مسجد نداشت.^۱

اگرچه این حکم ویژه امیر مؤمنان(ع) بود، ولی از آن ضرورت و لزوم مراوده دائمی با مسجد را می‌توان به خوبی درک نمود.

ایجاد جرقه‌های انس کودکان با مسجد

فرزندان آن حضرت نیز از همان دوران کودکی در تماس مداوم با مسجد بودند و معارف الهی در جان مبارکشان می‌نشست و انس علاقه‌شان به مسجد روزافزون می‌گشت. نقل شده است امام حسن((علیه السلام)) علاقه فراوانی به مسجد و شنیدن وحی از رسول گرامی اسلام(ص) داشت. هنگامی که پیامبر گرامی اسلام(ص) به مسجد می‌رفت و آیات الهی را برای مردم می‌خواند، او با اشتیاق تمام آنها را حفظ می‌نمود و زودتر از پدر بزرگوارش امام علی((علیه السلام)) به خانه می‌آمد و آنها را برای مادرش حضرت صدیقه(علیها السلام) تلاوت می‌نمود. هر زمان امیرمؤمنان((علیه السلام)) به خانه می‌آمد، مشاهده می‌کرد که زهرا(علیها السلام) از آیات تلاوت شده در مسجد مطلع است. علت آن را از همسرش جویا شد. معلوم شد که امام حسن((علیه السلام)) آنها را برای مادرش تلاوت نموده است.

حضرت در یکی از روزها تصمیم گرفت خود را از مقابل دیدگان امام مجتبی(علیه السلام) پنهان کند، تا چگونگی تلاوت آن حضرت را بشنود. امام حسن مجتبی(علیه السلام) طبق معمول می‌خواست آیات را بخواند اما اضطراب و لکنت زبان بر آن حضرت عارض گشت. فاطمه زهرا(علیها السلام) متعجب شد و علت آن را پرسید. فرزندش پاسخ داد: «یا امّاه قلّ بیانی و

^۱ مسند احمد، ج ۱، ص ۲۸۵، صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۴۱۰.

کلّ لسانی لعلّ سیداً یرعانی؛ ای مادر! بیانم ناتوان شد و زبانم را لکنت گرفته است. مثل این که آقایی مرا زیر نظر گرفته است.» در این زمان امام علی (علیه السلام) ظاهر شد و او را بوسید.^۲

این نکته وظیفه والدین نسبت به همراه ساختن فرزندان با خود در مسجد و ایجاد جرعه‌های اولیه انس با مسجد را بیش از پیش روشن می‌سازد.

آشنایی با آموزه‌های ناب

کودک تربیت یافته در چنین فضایی، با آموزه‌های ناب اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی آشنا شده، برای همیشه نصب العین فردای زندگی خود قرار خواهد داد.

حسن (ع) و حسین (ع) بیمار شدند. پیامبر (ص) با جمعی از یاران به عیادت‌شان رفتند و به علی (علیه السلام) گفتند: «ای ابوالحسن! خوب بود، نذری برای شفای فرزندان خود می‌کردی».

علی (علیه السلام)، فاطمه (س) و فضه، نذر کردند اگر آن دو شفا یابند، سه روز، روزه بگیرند. (طبق برخی از روایات، حسن و حسین (ع) نیز گفتند: «ما هم نذر می‌کنیم و روزه می‌گیریم»). چیزی نگذشت که هر دو، شفا یافتند در حالی که از نظر مواد غذایی، دست خالی بودند. علی (علیه السلام) سه من جو قرض کرد و فاطمه (س) یک سوم آن را آرد کرد و نان پخت. هنگام افطار، سائلی به در خانه آمد و گفت: «سلام بر شما ای خاندان محمد! مستمندی از مستمندان مسلمانان هستیم، غذایی به من دهید! ایزد، به شما، از غذاهای بهشتی مرحمت کند!».

آنان، مسکین را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب نوشیدند. روز دوم را نیز روزه گرفتند و موقع افطار، یتیمی ندای کمک سر داد و باز آنان، غذای خود را به او دادند. در سومین روز روزه، اسیری از غذای آنان طلب کرد و باز آنان، ایثار کرده، غذای خویش بدو بخشیدند و خود با آب افطار کردند.

صبح فردا حضرت علی (ع)، دست حسن (ع) و حسین (ع) را گرفته، خدمت رسول الله آمدند و هنگامی که پیامبر (ص)، عزیزان خود را نظاره کرد، دید از شدت گرسنگی می‌لرزند! فرمود: «این حالی که در شما می‌بینم، برای من بسیار گران است!». سپس برخاست و با آنان بر خانه فاطمه (س) وارد شده، دید، دختر عزیزش، در محراب عبادت ایستاده است، در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به پشت چسبیده و چشمان‌اش به گودی نشسته است.

اندوه، وجود رسول الله (ص) را فرا گرفت و در حالی که غبار غم بر قلب مبارک آن حضرت نشسته بود، جبرئیل نازل شد و گفت: «ای محمد: این سوره را بگیر! ایزد، با چنین خاندانی، به تو تهنیت می‌گوید». آنگاه جبرئیل، سوره هل اتی و هجده آیه مربوط به ایثار علی، فاطمه، حسن، حسین (علیهم السلام) را نازل کرد که در آیات ۵ و ۸ و ۹ می‌خوانیم: «ان الابرار یشرّبون من کاس کان مزاجها کافورا ... ویطعمون الطعام علی حبه مسکینا ویتیمنا واسبیرا انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء ولا شکورا؛ نیکان از جامی می‌نوشند که با عطر خوش، آمیخته است... [آنان] غذای - خود را - با اینکه به آن

^۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۸.

علاقه و نیاز-دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند و می‌گویند: ما، شما را برای رضای الهی، طعام می‌دهیم و هیچ پاداش و تشکری از شما نمی‌خواهیم».^۳

همین فرزندان پرورش یافته در چنین خانواده‌ای بودند که بعدها پس از غصب خلافت به دفاع از حق و حقیقت پرداختند.

یک حدیث

این بحث را سخنی از امام علی(علیه السلام)، درباره فواید حضور و ارتباط داشتن با مسجد و اهل مسجد به پایان می‌بریم. حضرت فرمودند: «کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشتگانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و با ارزش در راه خدا، علم و دانش تازه، دلیل و برهان محکم [برای تثبیت عقاید]، کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود]، رحمت مورد انتظاری [شامل حال او می‌شود]، مواعظی که او را از فساد و گناه باز دارد [می‌شنود]، به دلیل ترس یا حیا و آبروی خود گناهی را ترک می‌کند».^۴

۳. نک: تفسیر طبری، فخر رازی و جامع الاصول ابن اثیر.

۴. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.